



«ایران» از وضعیت شکننده رئیس جمهور مستقر امریکا در انتخابات ۲۰۲۴ گزارش می دهد

سرنوشت کارتر در انتظار بایدن؟

گزارش

روند تحولات در صحنه سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده نشان می دهد نتیجه‌ای که از صندوق‌های رأی سال ۲۰۲۴ ریاست جمهوری

این کشور بیرون می آید می تواند تکرار اتفاقی باشد که چندین دهه پیش درباره «جیمی کارتر»، رئیس جمهور اسبق امریکا رخ داد: زمانی که این رئیس جمهور دموکرات توانست برای سردرگمی هایش در سیاست خارجی بویژه در رابطه با ایران انقلابی و تحقق وعده‌های داخلی اش چاره‌جویی کند تا به یکی از رؤسای جمهور تک دوره‌ای امریکا تبدیل شود. به نظر می‌رسد تاریخ در حال تکرار است و فاجعه جاری در اسرائیل و غزه دوباره حقیقتی را نشان داد که زمانی «هارولد مک میلیان»، نخست وزیر گذشته بریتانیا آن را بزرگ‌ترین چالش یک دولتمرد خوانده بود: چالش رخدادها.

چالش زمانی است که رویدادها به واکنشی واقع‌گرایانه و منسجم توسط کشور نیاز داشته باشد اما آن کشور نتواند چنین واکنشی نشان دهد. امریکا در چنین وضعیتی به سرنمی‌برد؛ همان‌گونه که کارتر

ناگامی در سیاست خارجی تنها دلایلی نیست که ناظران در پیش‌بینی از شکست احتمالی

«جو بایدن»، رئیس جمهور سالخورده امریکایی در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده امریکا مطرح می‌کنند. وضعیت متزلزل اقتصادی و افزایش نارضایتی‌های داخلی مردم این کشور با شرایطی که تحت تأثیر جنگ روسیه و اوکراین و همچنین جنگ خاورمیانه شکل گرفته نشان می‌دهد که

در داخل کشورش قرار داده که هرلحظه برابعاد این بحران اقتصادی افزوده می‌شود. ضعف دولت در مهار تورم، محبوبیت رئیس جمهور را به پایین‌ترین سطح کاهش داده و شرایط اینچنین بوده که از زمان روی کار رویا شبیه شده است. ایالات متحده امریکا تنها فاصله زیادی تا بازگشت به عظمت ادعایی خود دارد که در وضعیت بدتری از لحاظ از هم‌سختگی اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است. افزایش فزاینده قیمت‌ها و تورم تاریخی، دولت امریکا را تحت فشار بسیاری

است. «بایدن» که زمانی در عرصه سیاست خارجی با شعار «امریکا بازگشته است» وعده داد که «ما متعهد به پیوستن مجدد به توافق هسته‌ای ایران هستیم» اما اکنون امریکا را در وضعیتی قرار داده که همچنان خارج از گود بگرام است و ایران در مسیر شتاب بخشدین به برنامه‌های هسته‌ای صلح آمیزش قرار دارد. بنابراین واشنگتن فرصت احیای توافق هسته‌ای را به خاطر مطالبات زیاده‌خواهانه‌ای که روشن بود مورد پذیرش تهران قرار نمی‌گیرد، از دست داد با این تصور واهی که ایران در موقعیتی نیست که امکان مواجه تلافی بدعهدی برسربرجام را داشته باشد. به جای آن، «بایدن»، ترجیح داد همان مسیر دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین یعنی سیاست فشار حداکثری را ادامه دهد تا تضعیف ایران را با پیشبرد طرح واهی اتحاد عملی



دولتمردان امریکایی امیدوار بودند که مساله روسیه و اوکراین را به پایگانی بسپرنند و بر رویارویی یا یک حریف نیرومندتر یعنی چین تمرکز کنند اما حمله روسیه به اوکراین نشان داد که مسکو با این وضعیت کنار نیامده است. این درحالی بود که دولت امریکا نسبت به وعده‌های پوچی که در حمایت از اوکراین سر داده بود، هیچ ابده‌ای نداشت و تنها کاری که می‌توانست انجام دهد، ارسال تسلیحات نظامی به «کی‌یف» بود

خود برای کاستن از اولویت منطقه خاورمیانه در سیاست خارجی امریکا و متقابلاً، تمرکز بر شرق دور با هدف موازنه سازی علیه چین و روسیه سخن به میان آورده بود اما روند رویدادهایی که بویژه در هفته‌های اخیر در جنگ خونین فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها رخ داد، این واقعیت را نشان داد که دولت او برای نیل به چنین هدفی از ظرفیت‌های کافی بی‌بهره است و به اعتقاد ناظران بین‌الملل همچنان در محاسبات اشتباه خود پیرامون معادلات منطقه خاورمیانه و بین‌الملل دست و پا می‌زند.

«ولی نصر»، تحلیلگر غربی در مقاله اخیر خود در «فارین افروز» محاسبات اشتباهات اشاره کرده و می‌گوید: «امریکا تا پیش از عملیات «طوفان الاقصی» شرایط حاکم بر منطقه و نیروهایی را که در مقابل اسرائیل قرار داشتند، دست کم گرفته بود و همچنین به اشتباه تصور می‌کرد که دیگر کشورهای خاورمیانه، به حمایت

از تلاش ریاض برای هژمونی منطقه‌ای اعتراضی نخواهند کرد.» تصور ایالات متحده مبنی بر به سرانجام رساندن طرح عادی سازی رابطه اسرائیل و عربستان درکوتاه مدت در حالی که موضوع فلسطین را نادیده گرفته بود، به بحران خونین و خسارت بار جنگ غزه انجامید و نادرستی برآورد استراتژیست‌های امریکایی از وضعیت کنونی خاورمیانه را به نمایش گذاشت. این در حالی است که امریکا هنوز هم این اشتباه خود را اصلاح نکرده است و به جای تلاش برای یک کارزار محدود نظامی که شاید وجهه اسرائیل را نجات دهد، به جنگ در غزه باسج نامعمولی داده و به حمایت بی‌قید وشرط از حملات نظامی مرگبار تل آویوو روی آورده است. نتیجه این رخداد، شعله کشیدن آتش خشم در سراسر خاورمیانه هم علیه رژیم صهیونیستی و هم امریکا است. بنابراین، به جای اینکه امریکا به عنوان یک عامل کمک به تسهیل ایجاد ثبات و امنیت در منطقه عمل کند، حمایت کرد و نامحدودش از اسرائیل، آن را خود به یک منبع تهدیدکننده بی‌ثباتی تبدیل کرده است که این می‌تواند کل منطقه را در روزها و ماه‌های آینده شعله‌ور کند. در چنین

فضایی، بسیاری از مردم کشورهای منطقه بویژه جهان عرب اینک ایالات متحده را یک شریک مسلم در تلاش اسرائیل برای کشتار و نسل‌کشی فلسطینیان و تحلیلگران او را یک بازنده بزرگ در نبرد غزه می‌خوانند.

جدایی از دوستان

رأی قاطع ۱۲۰ کشور به پیش‌نویس قطعنامه‌ای که چندی پیش خواستار برقراری آتش‌بس بشردوستانه در غزه بود، از تنهایی محور امریکایی- صهیونیستی حکایت می‌کرد. تنها ۱۲ کشور، امریکا و رژیم صهیونیستی را در مجمع عمومی سازمان ملل همراهی کردند.

«گاردین» در مقاله‌ای درباره این موضوع، نوشت که نتیجه برای نشان دادن حمایت مستقیم محدود از امریکا قابل توجه بود؛ حتی فرانسه، اسپانیا و انگلیس از پیوستن به امریکا در رأی مخالف دادن به این طرح خودداری کردند. اختلافات در داخل اتحادیه

اروپا که در هفته‌های اخیر دیده می‌شد، نیز آشکار شده و ۲۷ عضو اتحادیه به سه روش مختلف رأی دادند، اما اکثریت رای ممتنع خود را اعلام کردند. ۶ رأی همراهی که امریکا توانست به دست آورد مربوط به جزایر اقیانوس آرام بود؛ جزایر فیجی، تونگا، جزایر مارشال، میکرونزی، نائورو و پاپوآ گینه‌نو. این روندها، دیدگاه «استفان والت»، نظریه‌پرداز بنام امریکایی که گفت اشتباهات راهبردی امریکا در جنگ اخیر غزه باعث شده سایر کشورها نه فقط اعتبار امریکا، بلکه قضاوت و فهم این کشور از مسائل را نیز زیر سؤال ببرند، تأیید می‌کند. این نتایج انتخابات ریاست جمهوری امریکا نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود، دستگاه کارنامه سیاست خارجی دولت بایدن چندین شکست متوالی را در خود ثبت کرده است و در شرایطی که خاک سفید تا پیش از جنگ غزه دستاورد مهمی را در منطقه غرب آسیا جست وجو می‌کرد، این شکست‌ها پرونده‌های حل نشده، وضعیت دشوار را تجربه می‌کند. این وضعیت در کنار نگرانی‌های گسترده اقتصادی در صحنه داخلی می‌تواند خبر بدی برای «بایدن» در آستانه انتخابات مجدد باشد.

کاهش ۱۱ درصدی در ماه گذشته مواجه شده و حال در بدترین شرایط طول ریاست‌جمهوری‌اش قرار گرفته است. «

«هیل» این‌گونه ارزیابی کرده که کاهش حمایت از بایدن از سوی حزب دموکرات، بازتاب افزایش همدردی با فلسطینی‌ها در مقایسه با رژیم اشغالگر در این حزب است. هرچند نظرسنجی گالوپ نشان داد که اکنون همدردی با فلسطینی‌ها در این حزب با ۴۹ درصد، بیش از حمایت از صهیونیست‌ها با ۲۸ درصد است.

وضعیت بدتر در کنگره

وضعیت در داخل کنگره برای «بایدن» از این هم بدتر است. روزنامه نیویورک تایمز نیز در گزارش خود خاطرنشان کرده است: برای بایدن نگران‌کننده این واقعیت است که «در سالن‌های کنگره، شدیدترین انتقادها از سوی دموکرات‌های سیاهپوست و اسپانیایی‌تبار مطرح می‌شود؛ طیفی که به پیروزی او در سال ۲۰۲۰ کمک کردند». همه ۱۸ عضو مجلس نمایندگان که

قطعه‌نامه «کاهش تنش و آتش‌بس فوری در غزه» را خواستار شده‌اند، رنگین‌پوست هستند. برای رئیس‌جمهوری که در انتخابات ۲۰۲۰ با فاصله کمی در ایالت‌های تأثیرگذار پیروز شد و اکنون با شکاف اساسی در میزان حمایت از خود در انتخابات پیش رو مواجه است، واکنش‌ها در بین حامیان اصلی‌اش و رأی‌دهندگان مستقل، حاوی خبر بدی است. جنگ راهبردی در خاورمیانه وضعیت خطرناک سیاسی کنونی بایدن را پیچیده‌تر می‌کند و برای او در تعریف راهبرد راهیایی دوباره‌اش به کاخ سفید، مشکلاتی واقعی به بار می‌آورد.

سیاست خارجی

۱۱

دیدگاه

هژمون بدون راهبرد

امریکا در پی جنگ غزه نظام‌های مبتنی بر ارباب‌رعیتی عرب را که به همکاری با چین و روسیه چراغ سبز نشان داده‌اند، یک‌شبه از دست خواهد داد. این مقدمه گزارشی است که «پپه اسکوبار» تحلیلگر غربی رسانه غربی «The Cradle» در تحلیل روند مناسبات ایالات متحده و شرکای عربی‌اش در منطقه در پی عملیات «طوفان الاقصی» آورده است. او در این یادداشت به نشست اخیر سران کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی اشاره کرده و گفته است: «رهبران عرب مجبور شده‌اند اقداماتی فراتر از فراخوانی تعداد معدودی از سفیران خود در اسرائیل، اتخاذ کنند. آنها نشست ویژه سازمان همکاری اسلامی برگزار کرده و درباره جنگ اسرائیل علیه کودکان فلسطینی بحث کردند. نمایندگان ۵۷ کشور اسلامی یازدهم نوامبر (۲۰ آبان) در نشست ریاض تلاش کردند ضربه سنگینی به عاملان و حامیان نسل‌کشی وارد کنند».

این گزارش با اشاره به اینکه نقطه کانونی در همه تصمیم‌گیری کشورها و بازیگران جهانی به منابع طبیعی و بازارها مربوط می‌شود و اگر یکی از آنها را نداشته باشید به دیگران وابسته می‌شوید و هژمون به شما دیکته می‌کند که چه چیزی را داشته باشید یا نداشته باشید، افزوده است: «افکارعمومی اسلام و جهان عرب و اکثریت جهان وقتی چنین رهبرانی را می‌بینند که آماده نیستند جهان اسلام را به یک قطب واقعی قدرت تبدیل کنند؛ حق دارند احساس یأس کنند. برخی کشورهای عربی، مستقل نیستند. آنها احاطه شده و قربانی هستند. ذهنیت ارباب‌رعیتی هستند. آنها هنوز آماده نیستند که از نزدیک با تاریخ روبه‌رو شوند و متأسفانه همچنان گرفتار قرن تحقیر هستند.

تیر خلاص تحقیر را کسی جز تل‌آویو شلیک نکرد. البته کشورهای مسلمان عرب بسیار مهم و شجاعی هم وجود دارند، مانند ایران، سوریه، فلسطین، عراق، لبنان و یمن. این بازیگران مقاومت هرچند در اکثریت نیستند اما بازتاب‌دهنده افکارعمومی هستند و در حالی که جنگ اسرائیل هر روز گسترش می‌یابد، نفوذ جهانی و منطقه‌ای این بازیگران نیز به‌طور گسترده‌ای افزایش می‌یابد». این تحلیلگر جنگ اوکراین و احیای جنگ غرب آسیا را دو رویداد در هم تنیده دانسته و می‌نویسد: «جد از ادعای واشنگتن درباره نگرانی از نسل‌کشی اسرائیل، واقعیت این است که ما در مهم‌ترین بخش از جنگ علیه بریکس ۲ قرار داریم. امپراطور استراتژی ندارد بلکه در بهترین حالت اقدام به برنامه‌ریزی تاکتیکی تجاری می‌کند. اعزام ناو امریکایی به شرق مدیترانه که یک تلاش شکست‌خورده برای ترساندن پایه‌های اصلی محور مقاومت یعنی ایران و حزب‌الله است، در راستای همین برنامه‌ریزی صورت گرفته است. هدف اصلی این تلاش‌ها ایجاد وحشت در ریاض و ابوظبئی است تا بلکه تلاشی برای حفظ حداقل امیدها جهت کمک به تسهیل‌سازی رابطه اسرائیل و اعراب کرده باشد».

تلاش برای دوام شیخ هژمون

این مقاله در بخش دیگری به رویکرد دوگانه امریکا درباره جنگ اوکراین و غزه پرداخته و تصریح می‌کند: «ده‌ها میلیون نفر در میان اکثریت جهانی می‌پرسند که چرا هژمون مشتاق آتش‌بس در اوکراین است اما آتش‌بس در فلسطین را رد می‌کند. تعلیق و توقف پروژه اوکراین باعث می‌شود شیخ هژمون برای مدت بیشتری دوام داشته باشد و بماند. تصور کنیم مسکو این وضعیت را می‌پذیرد (که البته قبول نمی‌کند). اما تعلیق پروژه اوکراین در اروپا مستلزم آن است که اسرائیل به هر قیمتی در غزه پیروز شود.

اسرائیل همین الان در جنگ هفتم اکتبر(۱۵ مهر) شکست خورده است زیرا هرگز نمی‌تواند وجهه شکست‌ناپذیری خود را احیا کند. اگر این درگیری به جنگی منطقه‌ای تبدیل شود، اسرائیل شکست خواهد خورد. این در حالی است که خروج افکارعمومی در محکومیت اقدامات اسرائیل که رساتر از همیشه شد، از رئیس جمهور امریکا که به عنوان همدست تل‌آویو قلمداد می‌شود، خواست نسل‌کشی اسرائیل را متوقف کند اما واشنگتن نمی‌خواهد بدون امتیازی این نبرد را ترک کند زیرا جنگ در اروپا و غرب آسیا ممکن است آخرین فرصت امریکا برای جلوگیری از آغاز یک قرن پرشکوه و صلح‌آمیز اوراسیایی باشد.



جد از ادعای

واشنگتن درباره نگرانی از نسل‌کشی اسرائیل، واقعیت این است که ما در مهم‌ترین بخش از جنگ علیه بریکس ۲ قرار داریم. امپراطور استراتژی ندارد بلکه در بهترین حالت اقدام به برنامه‌ریزی تاکتیکی تجاری می‌کند. اعزام ناو امریکایی به شرق مدیترانه که یک تلاش شکست‌خورده برای ترساندن پایه‌های اصلی محور مقاومت یعنی ایران و حزب‌الله است، در راستای همین برنامه‌ریزی صورت گرفته است. هدف اصلی این تلاش‌ها ایجاد وحشت در ریاض و ابوظبئی است تا بلکه تلاشی برای حفظ حداقل امیدها جهت کمک به تسهیل‌سازی رابطه اسرائیل و اعراب کرده باشد».



برای بایدن نگران‌کننده این واقعیت است که «در سالن‌های کنگره، شدیدترین انتقادها از سوی دموکرات‌های سیاهپوست و اسپانیایی‌تبار مطرح می‌شود؛ طیفی که به پیروزی او در سال ۲۰۲۰ کمک کردند». همه ۱۸ عضو مجلس نمایندگان که قطعنامه «کاهش تنش و آتش‌بس فوری در غزه» را خواستار شده‌اند، رنگین‌پوست هستند



رویکردانی از رئیس جمهور سالخورده

زاویه

ایالت میشیگان امریکا انجام گرفته است، مصرف‌کنندگان امریکایی پیش‌بینی کرده‌اند که در سال ۲۰۲۴ نرخ تورم در کشورشان به ۴.۴ درصد برسد و معتقدند ظرف بازه زمانی ۵ تا ۱۰ سال پس از آن نرخ تورم ۳.۲ درصد می‌شود که همچنان بالاترین میزان افزایش نرخ تورم در یک‌دهه گذشته در امریکا محسوب می‌شود. این نظرسنجی نشان می‌هد که تحت‌تأثیر افزایش مداوم قیمت‌ها، نرخ بالای وام‌ها و ضعف بازار کار چشم‌انداز خوبی برای اقتصاد امریکا در دولت بایدن و رشد اقتصادی این کشور وجود